



## ◆ مجید عباس اشلقی

ایران از تسلیحات هسته‌ای این مسأله‌نه تنها موجب تهدید صلح و ثبات منطقه نمی‌شود، بلکه به ایجاد ثبات و امنیت در منطقه کمک می‌کند. آنها معتقدند که رژیم صهیونیستی به عنوان متحد استراتژیک آمریکا در منطقه از سلاح هسته‌ای برخوردار است. این در حالی است که هیچ کشور عربی و اسلامی به جز پاکستان از سلاح هسته‌ای برخوردار نمی‌باشد. از این دیدگاه با دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای توازن در برابر تسلیحات هسته‌ای رژیم صهیونیستی برقرار خواهد شد. آنها معتقدند که ایران هسته‌ای بیشترین تهدید را متوجه رژیم اسرائیل خواهد نمود و کمترین تهدید را برای اعراب خواهد داشت. بر این اساس، اعراب به جای موضع‌گیری در برابر فعالیت‌های شفاف و قانونی هسته‌ای ایران باید به خطرهای رژیم صهیونیستی توجه کنند. در این خصوص "عمر موسی" دبیر کل اتحادیه عرب، طی نامه‌ای که خطاب به اعضای شورای همکاری خلیج فارس در اجلاس دسامبر ۲۰۰۵ نوشته اعلام کرد: "نگرانی وی به عنوان یک شهروند مصری از برنامه‌های هسته‌ای اسرائیل است نه ایران."

## اعراب و گزینه برخورد با برنامه هسته‌ای ایران

مقامات سیاسی و نظامی عرب با هر گونه برخورد قهرآمیز یا پرونده هسته‌ای ایران مخالف و نسبت به حمله احتمالی پیشگیرانه نظامی آمریکا و

گردید که عامل تاثیرگذار دیگری در روابط ایران و اعراب وارد معادلات شود.

## نگرش اعراب به برنامه هسته‌ای ایران

در میان تحلیل‌گران جهان عرب دو نگرش کلی در مورد برنامه هسته‌ای وجود دارد:

**الف:** گروهی که ایران هسته‌ای را تهدیدی استراتژیک قلمداد می‌کنند و معتقدند که هدف اصلی ایران از تعقیب برنامه‌های هسته‌ای، دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌باشد. این گروه تحت تاثیر تبلیغات منفی غرب و ذهنیت‌های گذشته تاریخی و دیدگاه‌های پان عربی قرار دارند. از نظر آنها دستیابی ایران به فن‌آوری هسته‌ای موقعیت منطقه‌ای ایران را ارتقا خواهد داد و کشورهای عربی را در موضع ضعف قرار می‌دهد. آنها بر این اعتقادند که گسترش نفوذ سیاسی و نظامی ایران در منطقه همراه با ایدئولوژی انقلاب اسلامی تهدیدی سیاسی برای حکومت‌های پادشاهی عرب محسوب می‌شود. علاوه بر آن، رقابت تسلیحاتی در سطح منطقه را تشدید کرده و احتمال وقوع بحران را افزایش می‌دهد. علاوه بر تهدیدات امنیتی، این گروه بر این اعتقاد است که برنامه هسته‌ای ایران دارای پیامدهای زیست محیطی برای منطقه است.

**ب:** گروه دوم؛ تحلیل‌گران سیاسی و نظامی عرب بر این اعتقادند که با فرض برخورداری

اعراب به طور سنتی و از گذشته تاکنون تلاش داشته‌اند تا موازنه قدرت را با ایران در خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس برقرار کنند. تقریباً همه دولت‌های عرب به جز سوریه به لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران از رژیم صدام حمایت کردند. زیرا بر این اعتقاد بودند که می‌توانند از طریق رویارویی عراق با ایران انقلابی، از گسترش اندیشه‌های انقلاب اسلامی پیشگیری کرده و قدرت و حوزه نفوذ ایران را محدود کنند. با پایان جنگ تحمیلی و تلاش دولت آقای هاشمی رفسنجانی مبنی بر توسعه روابط منطقه‌ای با اعراب و به ویژه موضع‌گیری مناسب سیاست خارجی ایران در زمان جنگ عراق علیه کویت و افزایش مراودات دیپلماتیک با اعراب و نیز سیاست خارجی مبتنی بر تنش زدایی ایران در زمان آقای سیدمحمد خاتمی و برگزاری موفقیت‌آمیز اجلاس سران کنفرانس اسلامی در تهران (۱۳۷۶) موجب گردید نگرش منفی اعراب به ایران که از ریشه‌های تاریخی برخوردار می‌باشد تا حدود زیادی تلطیف شود. البته در این دوران برخی کشورهای عرب و به ویژه امارت متحده عربی با مطرح نمودن موضوع جزایر سه گانه و تحت تاثیر تبلیغات منفی آمریکا، تلاش داشتند تا شرایط مناسب پدید آمده را متشنج کنند. از سال ۲۰۰۰-۲۰۰۳ و طرح پرونده هسته‌ای ایران در ژانوس بین‌المللی انرژی اتمی و مباحث مطروحه در سطح منطقه‌ای پیرامون ایران و آثار و پیامدهای آن بر جهان عرب، موجب

اسرائیل علیه تاسیسات هسته‌ای ایران و یا اقدام آنها در آغاز جنگ تمام عیار و گسترده با ایران نگران هستند، چرا که در این صورت در میان آتش جنگ آمریکا و ایران قرار خواهند گرفت. اعراب از این امر هراس دارند که در صورت حمله آمریکا به ایران، پای این کشورها نیز به منازعه گشوده شود. زیرا در صورت حمله نیروهای آمریکایی از فراز ناوهای مستقر در خلیج فارس و یا پایگاه‌های نظامی مستقر در کشورهای منطقه، نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران نیز ناوها و پایگاه‌های آمریکایی را هدف قرار خواهند داد و از این طریق خلیج فارس را نیز برای هر گونه نقل و انتقال کشتی‌های نفتی ناامن خواهند نمود و یا احتمال این که به علت حضور نیروهای آمریکایی در پایگاه‌های مستقر در کشورهای عربی، هدف موشک‌های ایران قرار بگیرند، وجود دارد.

بنابراین معتقدند که در صورت درگیری احتمالی و برخورد قهرآمیز با ایران، آنها نیز آسیب خواهند دید، لذا از به کارگیری زور نسبت به ایران حمایت نمی‌کنند. آنها در پی این هستند که پرونده هسته‌ای ایران از طرق مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک حل و فصل گردد. مقامات سیاسی عرب از طرح "منطقه عاری از سلاح هسته‌ای" در خاورمیانه حمایت می‌کنند. در این زمینه "عبدالرحمن العطیه" دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس در مصاحبه با خبرگزاری کویت اظهار داشته است: اسرائیل اولین کشوری بود که تسلیحات هسته‌ای را به منطقه خاورمیانه آورد و این مساله منجر به این شد که دیگر کشورها هم به دنبال تسلیحات هسته‌ای بروند. ما خواهان کنترل زرادخانه هسته‌ای اسرائیل هستیم و از منطقه عاری از سلاح هسته‌ای حمایت می‌کنیم. ما نمی‌خواهیم که میان دو لبه آسیب اسرائیل از یک سو و ایران از سوی دیگر باشیم.

## واکنش احتمالی اعراب به ایران هسته‌ای

جهان عرب و به ویژه دولت‌های عربی خلیج فارس بر این اعتقادند که در صورت هسته‌ای شدن ایران، تهدیدات امنیتی در منطقه ایجاد می‌کند که آنها نیز در مسیر هسته‌ای شدن گام بردارند.

عراق در دوران رژیم صدام به دنبال هسته‌ای شدن و سلاح‌های کشتار جمعی بود و اقداماتی را نیز به صورت مخفیانه انجام داد ولی هنوز تا تولید بمب هسته‌ای فاصله داشت، به نظر می‌رسد با سقوط رژیم بعث و روی کار آمدن دولت جدید، بلندپروازی‌ها و جاه‌طلبی‌های صدام کنار گذاشته شود. ولی بر حسب نوع شکل و ماهیت سیاسی دولت آینده عراق،

نگرش آنها به ایران هسته‌ای نیز متفاوت خواهد بود. در صورت تداوم حاکمیت شیعیان، با توجه به گسترش پیوندهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی، احساس ترس و تهدید از جانب ایران وجود نخواهد داشت. اما در صورت روی کار آمدن بعضی‌ها یا طرفداران آمریکا، سیاست خارجی بغداد به سوی احساس تهدید و هراس از ایران و حفظ نیروهای آمریکایی خواهد رفت.

مقامات عربستان سعودی به عنوان تاثیرگذارترین دولت جهان عرب، علی‌رغم برخورداری از پیوندهای مناسب دیپلماتیک با ایران، بر این اعتقاد هستند که هسته‌ای شدن ایران زمینه تسلط سیاسی و نظامی ایران بر خاورمیانه و خلیج فارس را فراهم خواهد کرد. مقامات ریاض، هسته‌ای شدن خویش را الزامی تلقی می‌کنند و بر اساس گزارش‌ها و اسناد موجود در پی دستیابی به فن آوری هسته‌ای با کمک پاکستان هستند. در این زمینه روزنامه "واشنگتن تایمز" در گزارشی مدعی شده است که "در سفر شاهزاده عبدالله به پاکستان در اکتبر ۲۰۰۳ و در توافقات محرمانه با پرویز مشرف، پاکستان متعهد شده است که انتقال فن آوری تولید سلاح هسته‌ای را با دریافت نفت ارزان قیمت مبادله کند." دیگر دولت‌های ثروتمند عرب در حوزه خلیج فارس نیز تلاش دارند تا با بهره‌گیری از قدرت مالی خویش به خرید سیستم‌های هسته‌ای اقدام کنند و یا اینکه با تحکیم مناسبات سیاسی، نظامی و امنیتی خویش با ایالات متحده، نیازهای خود را مرتفع نمایند. کویت، عمان، قطر، بحرین و به ویژه امارات متحده عربی در این راه گام نهاده‌اند. در میان کشورهای مذکور، امارات متحده عربی همواره به صورت آشکار موضع منفی در قبال ایران داشته است.

علاوه بر اعراب حوزه خلیج فارس، کشورهایی نظیر مصر و سوریه به عنوان کشورهای تاثیرگذار بر جهان عرب، روند هسته‌ای شدن ایران را به دقت پی‌گیری می‌کنند. مصری‌ها به لحاظ ژئوپلیتیک از ایران دور هستند و تهدید امنیتی از هسته‌ای شدن ایران را احساس نمی‌کنند. ولی معتقدند که ایران هسته‌ای موقعیت سیاسی مصر را در جهان اسلام تضعیف خواهد کرد. مقامات سیاسی مصر معتقدند که در صورت هسته‌ای شدن، می‌توانند علاوه بر پیشگیری از این روند نزولی، از قدرت چانه زنی بیشتری در برابر تهدیدات امنیتی اسرائیل برخوردار شوند. آنها بیش از این که از ایران احساس تهدید کنند از اسرائیل هراس دارند و این مساله به خوبی در نامه "عمر موسی" دبیر کل مصری اتحادیه عرب به اعضای شورای همکاری خلیج فارس در دسامبر

۲۰۰۵ قابل فهم و درک است.

علاوه بر مصری‌ها، مقامات سیاسی و نظامی سوریه نیز از جانب ایران احساس تهدید نمی‌کنند ولی بر خلاف مصر که از هسته‌ای شدن ایران حمایت نمی‌کند، سوریه حامی هسته‌ای شدن ایران است. مقامات سیاسی دمشق معتقدند که هسته‌ای شدن ایران نه تنها تهدیدی علیه آنها نیست، بلکه موجب خواهد شد تا قدرت و نفوذ اسرائیل به عنوان تنها کشور برخوردار از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه محدود شود. علاوه بر آن در برخورد احتمالی سوریه و اسرائیل، ایران می‌تواند به این کشور کمک کند.

مقامات سیاسی سوریه بر این اعتقاد هستند که برای دفع خطر هسته‌ای اسرائیل و بازدارندگی در برابر این رژیم، باید به سوی هسته‌ای شدن گام بردارند ولی از آن جا که در حال حاضر توانایی چنین اقدامی را ندارند، بهتر است که از ایران به عنوان متحد استراتژیک خود حمایت کنند.

## جمع بندی

در مورد دیدگاه اعراب نسبت به تعامل و رفتار با برنامه هسته‌ای ایران نکات زیر قابل تامل هستند:

- ۱- اعراب با هر گونه حمله احتمالی و به کارگیری زور علیه ایران مخالف هستند زیرا در صورت وقوع جنگ آنها تیر صدمه بسیاری خواهند دید.
- ۲- اعراب ضمن اظهار نگرانی از برنامه هسته‌ای ایران معتقدند که این موضوع باید از طریق گفت‌وگو و مذاکرات دیپلماتیک حل و فصل شود.
- ۳- آنها با انتقاد از سیاست هسته‌ای رژیم صهیونیستی خواستار بر چیده شدن زرادخانه‌های هسته‌ای این رژیم می‌باشند و از طرح "منطقه عاری از سلاح هسته‌ای" که همواره مورد تأکید ایران نیز بوده است، حمایت می‌کنند.
- ۴- اعراب بیش از این که از ایران نگران باشند از سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل نگران هستند.
- ۵- اکثریت اعراب و به ویژه عربستان سعودی و مصر هسته‌ای شدن خویش را ضروری می‌دانند و از طرق مختلف در صدد دستیابی به این فن آوری هستند.
- ۶- اعراب از جانب ایران احساس تهدید امنیتی نمی‌کنند ولی از ارتقای جایگاه منطقه‌ای و نفوذ ایران نگران هستند.
- ۷- در میان کشورهای عربی تنها سوریه، هسته‌ای شدن ایران را به سود خویش می‌داند و از آن حمایت می‌کند.